

نیروهای مؤمن و انقلابی، حداقل باید دارای "چهار ویژگی شخصیتی" باشند:  
۴. توانایی لازم را داشته باشند: نیروی جوان مؤمن و انقلابی، باید روحیه «خودباوری» و «اعتماد به نفس» را هر لحظه در خود زنده کند، آن هم در شرایطی که دشمن اصرار دارد بذر "نتوانستن" را در دل جوان ایرانی بروناند. «دشمن می خواهد بگوید که شما نمی توانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما می توانیم و ما دارا هستیم و امکاناتمان فراوان است... جوانان ما هم باید از کار خسته نشوند، از ابتکار خسته نشوند، از بعضی از قدرشناسی ها دل سرد نشوند. بعضی جوان ها به ما شکایت می کنند که «ما این کار را کردیم یا می توانستیم بکنیم یا می توانیم بکنیم؛ [اما] به ما اعتنائی نمی شود»؛ خیلی خب، دل سرد نباید بشوند؛ باید دنبال کنند کار را، ابتکار را؛ مسئول هم وظیفه دارد، خود جوان هم وظیفه دارد.» (۰۱/۰۱/۱۳۹۷)

### سنگرسازی در برابر ترامپ

**اعتماد:** سخنرانی دیشب دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، همان گونه که از سوی بسیاری از ناظران و کارشناسان پیش بینی می شد، تکرار بسیاری از ادعاها و حرف های پیشینی بود که از سوی او و دولتمردانش بیان شده بود. آنچه امروز اهمیت دارد واکنش و استراتژی جمهوری اسلامی ایران برای رویارویی با فشارهایی است که ایالات متحده امریکا تلاش دارد برای ایجاد شکاف و آسیب در ایران به کار بگیرد. یک استراتژی موثر و سازنده از سوی ایران، بیش از آنکه به کنش های بازیگران خارجی و ایالات متحده امریکا بستگی داشته باشد، به سیاست داخلی ایران و رویکردهای ما در برابر مسائلی است که در سیاست خارجی برای ما اهمیت دارد. تصمیم سازی و تصمیم گیری در مقولاتی که در سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی ایران و شهروندانش اهمیت دارد باید به بنیانی مستحکم، منسجم و همبسته برای رویارویی با فشارهای خارجی منجر شود. رویکرد منسجم و سیاست واحد در رویارویی با مسائل منطقه ای و بین المللی یکی از لازمه های کاهش آسیب پذیری در برابر فشارهای دونالد ترامپ و سیاست هایی است که علیه ایران اعلام می کند. چند دستگی، چند صدایی و بهم ریختگی در تصمیم سازی ها و سیاست گذاری های جمهوری اسلامی ایران باعث می شود که نه تنها در ایران سردرگمی ایجاد شود بلکه طرف های خارجی ایران هم دچار بلاتکلیفی می شوند، چرا که پیامی واضح، روشن و واحد از ما دریافت نکرده اند. جمهوری اسلامی ایران با وجود همه درایت ها و اقدامات صحیح از یک مزیت و نقطه قوت غیر قابل نفوذ، به دلیل فقدان استراتژی منسجم تبیینی و تشریحی به شکافی آسیب پذیر در برابر دشمنان تبدیل شده است. ایران باید الگوی خود برای امنیت منطقه ای را به شکلی عرضه کند که خریدار بیشتری پیدا کند و قدرت های جهانی پشت پرچم ایران جمع شوند، ایران باید با استفاده از شرایط موجود و حمایت اروپایی ها از برجام، بتواند ساز و کار مستقل مالی بدون وابستگی برای ارتباط مالی با جهان ایجاد کند، سازوکاری که اگر ایجاد شود، دیگر کشورهای جهان هم در آینده می توانند از آن بهره برداری کنند، در عین حال در داخل هم باید با ساختار سازی های بلندمدت، از جمله ترمیم نقطه ضعف هایی مانند اقتصاد تک محصولی و سیاست گذاری های کلی برای تسهیل روابط مالی بین المللی، در بلندمدت از آسیب پذیری شدید در برابر فشارهای خارجی محافظت کرد.

## مضحکه ابرقدرت

**صبح نو:** سخنرانی رییس رژیم آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رکورد اتفاقات خنده‌دار در این سازمان را جابه‌جا کرد و ترامپ را به رتبه‌ای بالاتر از نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی رساند. او که در حال سخن‌پراکنی درباره توانمندی‌های کشورش بود، در جملاتی گفت که وضع آمریکا را در دو سال گذشته به نحوی ارتقا داده که در تاریخ بی‌سابقه است؛ این جمله با خنده دیپلمات‌ها و مقامات حاضر در سالن مواجه شد، طوری که او لحظه‌ای سخنانش را قطع کرد و با حیرت گفت توقع چنین واکنشی را نداشته است. اتفاقی که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد افتاد، مظهری از شرایط کنونی ابرقدرت تنهایی است که حالا هیچ‌کس نمی‌خواهد با آن عکس یادگاری بگیرد و مضاف بر آن، حرف‌ها و وعده‌ها و ادعاهایش برای همگان مضحک و غیرواقعی است. این واقعه، نتیجه رفتارها و اعمال ترامپ در دو سال اخیر است که برای همگان، سیاست قلدرمآبانه و زورگویانه آمریکا را واضح ساخته و برخلاف همه روسای جمهوری قبلی که می‌خواستند چهره این کشور را بزرگ کنند، او تصویری حقیقی از ایالات متحده به دست می‌دهد. این را می‌توان آغازی بر پایان هژمونی و اقتدار آمریکا دانست، چه اینکه با همه دست‌اندازی‌های این کشور به اقصی نقاط دنیا، ترامپ می‌داند که باید به سرعت به مرزهای سرزمینی خود بازگردد و عقبه سست‌شده‌اش را ترمیم کند.

## ۳ جریان اصلی ایده دانشگاه

**فرهنگیان:** اگر به تاثیر اندیشه‌ها و نظریات در واقعیت‌های رخ داده در عرصه دانشگاهی کشور اعتقاد داشته باشیم، در این صورت نقش کتاب به‌عنوان بستر اصلی تبیین و توضیح منسجم دیدگاه‌های اندیشمندان ایرانی حوزه دانشگاه‌پژوهی و مطالعات آموزش عالی برجسته می‌شود. این نظریات در دو دهه اخیر تاثیراتی بر ساختار و محتوا و چشم‌اندازهای آموزش عالی ایران داشته است. البته هر اندیشمند و پژوهشگر در چارچوب کتابی ممکن است دیدگاه خاص خود را مطرح کند، اما فقط سه جریان - همان‌گونه که در یادداشت‌های گذشته نگارنده آمده است - توانسته‌اند تبدیل به جریان فکری پررنگ و با تاثیرگذاری جدی شوند. جریان اول مکتب دانشکده اقتصاد و مدیریت است.

این جریان بیشتر تاکید بر تجاری‌سازی، ارتباط صنعت و دانشگاه، پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد و کارآفرینی، نظام زنجیره نوآوری و حاکمیت عرضه و تقاضا در پژوهش و امثال آن دارد. جریان دوم مکتب دانشکده علوم اجتماعی است. این جریان بر اهمیت نگاه انتقادی به تجاری‌سازی و دانشگاه پولی، استقلال دانشگاه و حاکمیت فرآیندهای دموکراتیک و دانشگاه اجتماعی، آموزش رایگان، عدالت آموزشی و نقد کالایی‌سازی تاکید دارد. جریان سوم مکتب دانشکده علم و دین است. این جریان نیز بر تاثیر وحدت حوزه و دانشگاه، بومی‌سازی و اسلامی شدن علم، فرهنگ و تمدن غنی ایرانی و اسلامی و سنت‌های تامین مالی اسلامی تاکید دارد. البته همه کتاب‌های منتشرشده این عرصه در سه جریان فوق قابل قرارگیری نیستند.

## این دست‌های نامرئی دیدنی است

**کیهان:** شواهد و اسناد برگرفته از قول و عمل دشمن، کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که افزایش نرخ ارزی یکی از تاکتیک‌های جنگ اقتصادی حریف علیه ایران اسلامی است. این تاکتیک به تنهایی کارآمدی چندانی ندارد ولی هنگامی که با بی‌توجهی ناشی از انفعال و یا - در خوشبینانه‌ترین حالت - با انفعال ناشی از بی‌عرضگی برخی از دست‌اندرکاران و مسئولان خودی روبرو می‌شود به حربه‌ای خطرناک برای ما و در همان حال، اهرمی ارزان و کم‌هزینه برای دشمن تبدیل می‌شود که متأسفانه شده است! توضیح آنکه بر اساس آنچه تاکنون و مخصوصاً طی دو سه سال اخیر شاهد بوده‌ایم، با افزایش نرخ ارز، قیمت تمامی کالا و خدمات عمومی از لوازم خانگی و مسکن و اجاره بها و عدس و نخود و لوبیا و گوجه فرنگی و سبزی خوردن و کرایه حمل و نقل و انواع میوه‌جات گرفته تا تخمه آفتاب‌گردان و... به صورت جهشی افزایش یافته و افسار پاره می‌کند! از این روی دشمن بی‌آنکه هزینه چندانی متحمل شده باشد و فقط با مدیریت نفوذی‌هایی که در این سوی و آن سوی مراکز تصمیم‌ساز و سیاست‌پرداز به کار گرفته است، جنگ اقتصادی علیه کشورمان را که تنگی معیشت مردم اصلی‌ترین نقطه هدف‌گذاری شده آن است، پیش می‌برد. اکنون سؤال این است که کدام عقل سلیم می‌تواند در وجود این چرخه و خطر بزرگی که در پی داشته و دارد کمترین تردیدی داشته باشد؟! و پرسش بعدی آن است که چرا برخی از مسئولان دست‌اندرکار، دست روی دست گذاشته و مقابله چندانی نمی‌کنند تا آنجا که به نظر می‌رسد این عرصه سرنوشت‌ساز را به مشتی از حرامیان سودجو و غارتگر واگذار کرده‌اند؟! در این باره گفتنی است که افزایش قیمت‌ها با نگاه به نرخ ارز در همین بازار آزاد ۳ درصدی صورت می‌پذیرد و دست‌های بیرون آمده از آستین دشمن و یا کلان سودجویان حرامخوار که آنها نیز خواسته یا ناخواسته - و در بسیاری از موارد، آگاهانه - در خدمت دشمن هستند، با دستکاری نرخ ارز در همین بازار، امواج سهمگین گرانی را پدید می‌آورند و معیشت مردم مظلوم را به تنگی و سختی دچار می‌کنند. آقایان اگر به آنچه در این عرصه می‌گذرد نگاهی گذرا داشته باشند به وضوح می‌بینند که تقریباً هیچکس از نرخ ۸ هزار و چند صد تومانی دلار در سامانه نیما خبر ندارد و یا چنانچه با خبر باشد به آن توجهی ندارد، چرا که همه جا سخن از افزایش نرخ دلار به ۱۶ هزار و چند صد تومان است و افزایش سرسام‌آور قیمت کالا و خدمات در مقایسه با همین نرخ بازار آزاد صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، فاجعه در همین بخش به قول آقایان ۳ درصدی شکل می‌گیرد و با سرعتی باور نکردنی به تمامی بازارها سرایت می‌کند و فضای کسب و کار و معیشت مردم را به سختی و تنگی می‌کشاند. مقابله با این پدیده فاجعه‌آمیز و خسارت‌آفرین نه فقط دشوار نیست بلکه دست‌هایی که از آستین حرامیان به این عرصه دراز شده‌اند به آسانی قابل شناسایی و قطع کردن است. آیا تأسف‌آور نیست که سرنوشت اقتصاد و معیشت مردم، در دست‌های آلوده یک مشت حرامی حرامخوار باشد که بعضاً از آن سوی آب‌ها به این سو دراز شده‌اند؟! خدای مهربان بر درجات شهید چمران بیفزاید، آن شهید بزرگوار می‌فرمود؛ «می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، آنرا می‌پذیرم، اما می‌گویم؛ آنکس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست».

## شما را چه می‌شود؟!

**وطن امروز:** همان اروپایی که مدعی است ما برای آنکه صداقت‌مان را در مبارزه با تروریسم ثابت کنیم، لازم است بند بند معاهده FATF را روی چشم بگذاریم. که چه شود؟! تا شعبه X بانک ملت ابلاغیه صادر کند که به فلان مجموعه یا شخصیت علمی که در لیست سیاه اربابان تروریست‌هاست، خدمات ارزی ندهید یک وقت! که خودمان دست به تحریم خودمان بزنیم. خبرها حاکی از آن است که برخی هم در مجلس عزم خود را جزم کرده‌اند تا در تصویب این معاهده ننگین، این‌بار رکورد ۲۰ دقیقه‌ای تصویب برجام را هم جابه‌جا کنند. اروپایی‌ها در حالی ما را به پذیرش استانداردهای دوگانه خود برای مبارزه با تروریسم فرا می‌خوانند که خود بزرگ‌ترین حامیان تروریسم دولتی اسرائیل، عربستان، آمریکا و گروهک‌هایی چون منافقینند. حکایت پناهندگی و پرورش اعضای خرده‌پا و روسای گروهک‌هایی چون کومله در کشورهای اروپایی هم که اظهر من الشمس است. با همه اینها جناب رئیس‌جمهور می‌گوید: «امروز همه دنیا در کنار ما و مقابل آمریکا ایستاده‌اند!» اینکه همه دنیا در کنار ما و مقابل آمریکا ایستاده‌اند، باعث خوشحالی است ولی سوال این است که چرا آنها را نمی‌بینیم؟! بر همگان روشن است که در دستگاه محاسباتی دولت، مهم‌ترین بخش دنیا آمریکاست و بعد هم نوبت به کشورهای اروپایی می‌رسد. لذا حالا که آمریکا آن طرف و روبه‌روی ما است - گو اینکه قبلاً عضو پایگاه بسیج شهرری بوده است! - مهم‌ترین کسانی که کنار ما مانده‌اند، حکما باید همین اروپایی‌ها باشند. باز یادمان نرفته آقای روحانی یک روز پس از خروج آمریکا از برجام در تماسی تلفنی خطاب به امانوئل مکرون گفت: «اروپا در شرایط کنونی فرصت بسیار محدودی برای حفظ برجام در اختیار دارد». در مسلم اگر در FATF خیری برای این ملت بود، دشمنان پیشانی سفیدمان اعم از اسرائیل، آمریکا و اروپا اینقدر مشتاق پیوستن ما به آن نبودند. واقعا درک چنین امر واضحی اینقدر

دشوار است؟ شما را چه می‌شود؟!



ISNA PHOTO  
behrad ghaseemi



ISNA PHOTO  
Rouhollah Vahdati